

## بررسی علل پیدایش و اهمیت زیارتگاههای زرتشتیان در یزد

D. Mehrshahi ph.D

*The University of Yazd*

### **Zoroastrian pilgrimage places in Yazd: Their Origin, Gographical and Cultural - Historical Significane**

Probably the most important holy places in Iran for Zarthushtis (Zoroastrians) are pilgrimage places near Ardakan, Aghda, Mehriz and Yazd, all in Yazd province. This article discusses the significance and geographical as well as cultural characteristics of these histoical and religious places. While these holy places are visited every year by hundreds of Zoroastrians from all over the world, they cannot be considered soley as places for worship. We are not sure whether these piroons (= pilgrimage places) were originally places of pilgrimage in the past. However, they were mainly used by Zoroastrians as stations and shelters during their long journeys east. From 1200 years ago, such a scenario has happened possibly sevrall tims during political and sociological disturbances. Various Zoroastrians dialects in Yazd, Ardakan and Taft areas can testify to the effect of such immigration pattern which eventually led to the settlement

of a mixed population in the area.

Whatever their origins are, these holy places provide platforms for Zoroastrians gathering (unity), praying and remembering their ancestors and of course the happiness which is the consequence of these three.

**Key words:** Pilgrimage places, Zoroastrians, Yazd.

### خلاصه

احتمالاً مهمترین مکانهای مذهبی مقدس برای زرتشتیان ایران، پس از آتشکده‌ها، زیارتگاههایی است که در نزدیکی عفدا، اردکان، مهریز و شهر یزد (همگی در استان یزد) قرار دارند. این مقاله اهمیت و ویژگیهای جغرافیایی - فرهنگی این مکانهای تاریخی و مذهبی را مورد بحث قرار می‌دهد. در حالی که این مکانها همه ساله به وسیله صدها نفر از زرتشتیان زیارت می‌گردد ولی آنها را تنها به عنوان مکانهایی مقدس از دیدگاه نیایشی نمی‌توان تلقی نمود. اگرچه ما هنوز شواهدی مکتوب در دست نداریم که نشان دهد این مکانها در طی دورههای تاریخی با نقش خاص و یگانه‌ای مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند، اما با این وجود احتمال زیادی وجود دارد که از آنها به عنوان ایستگاهها و اقامتگاههای موقتی در شرایط خاص، مثلاً در حین مهاجرت زرتشتیان به سمت شرق، استفاده می‌شده است. احتمال دارد که چنان شرایطی بارها در طول بحرانها و فشارهای سیاسی و اجتماعی اتفاق افتاده باشد. وجود لهجه‌های متفاوت در بین اقلیت زرتشتی یزد، اردکان و تفت می‌تواند شواهدی باشد برای این حالت گذرگاه بودن و نقش ایستگاهی منطقه دور افتاده و مرکزی یزد در مهاجرت‌های ادواری این مردم از بخشهای مختلف ایران زمین به سمت هندوستان. ریشه پیدایش این اماکن هر چه باشد، این مکانهای مقدس در حال حاضر پایگاههایی را در دامن طبیعت جهت گردهمایی و همبستگی، زنده کردن یاد و خاطره فداکارهای گذشتگان، شادمانی و در نهایت نیایش خداوند در پیوند با طبیعت برای این آخرین بازماندگان ایران کهن فراهم می‌آورد که شناخت هر چه بیشتر و نیز حفظ و نگاهداری آنها را به عنوان یک میراث فرهنگی ضروری می‌نماید.

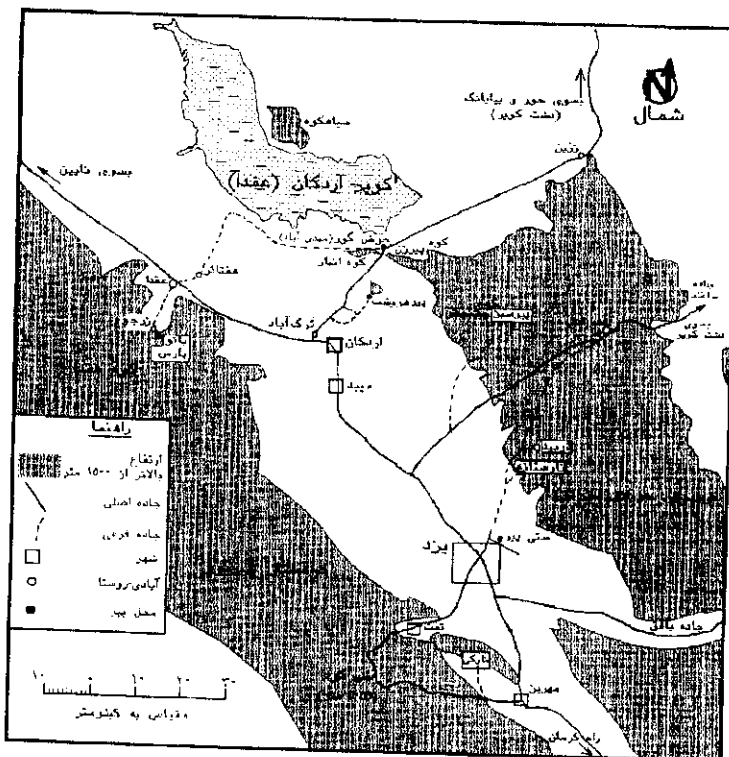
واژه‌های کلیدی: زیارتگاهها، زرتشتیان، یزد.

## مقدمه

با اینکه پس از انقلاب اسلامی ایران، ضرورت بیشتری برای پرداختن به فرهنگ اسلامی احساس می‌شود ولی تأکید بیشتر بر شناسایی این فرهنگ به معنای فراموش کردن دیگر فرهنگهای موجود در سرزمین تاریخی ایران نیست (ر.ک: مقدمه کتاب دینهای ایران باستان، ترجمه س. نجم‌آبادی، ۱۳۵۹) این نوشته به منظور آشنایی به یکی از جنبه‌های فرهنگی کمتر شناخته شده بخش کوچک ولی مهمی از ایرانیان یعنی زرتشتیان تهیه گردیده است. یکی از سنتهای موجود ما بین زرتشتیان ایران زیارت مکانهایی است که از دیدگاه آنان دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. احتمالاً مهمترین مکانهای مقدس نزد زرتشتیان ایران زیارتگاههای موجود در حوالی یزد، اردکان، عقدا و مهریز می‌باشد. این زیارتگاهها که پیر<sup>۱</sup> یا پیرانگاه (پیرونگاه) نامیده می‌شوند همگی در استان یزد واقع شده‌اند (نقشه شماره یک).

این اماکن مقدس همه‌ساله به وسیله صدها زرتشتی علاقمند از ایران و سایر کشورهای جهان مورد بازدید قرار می‌گیرند. هدف این مقاله، دسته‌بندی نظریات موجود در مورد چگونگی پیدایش این پیرانگاهها و بررسی ویژگیهای، تاریخی و فرهنگی این مکانهای مقدس و ویژه زرتشتیان می‌باشد. پیرانگاههایی که در این مقاله مورد نظر هستند عبارتند از: پیروستی پیر، پیر سبزه، پیر هریشت، پیر نارستانه، پیر بانو، و پیر نارکی.

۱- پیروانهای است به معنای فرد مقدس. روحانی. راهنما و مرشد. فرهنگ معین، جلد اول، چاپ امیرکبیر، ۱۳۷۱.



نقشه شماره ۱: یک موقعیت جغرافیایی پیرانگاههای زرتشتیان یزد

### موقعیت جغرافیایی

بجز ستی پیر، پیرانگاهها در دامنه کوه یا بر روی تپه‌های صخره‌ای باقیمانده از کوه بلند (نمونه هریشت) شکل گرفته‌اند. موقعیت نسبی و فاصله این اماکن از شهرهای مهم در جدول یک نشان داده شده است نزدیکترین آنها به یزد، ستی پیر در شمال یزد می‌باشد و دورترین آنها به یزد، پیر بانو، (یا بانو پارس) در فاصله ۱۱۲ کیلومتری شمال غرب یزد قرار دارد. ستی پیر در مجاورت محله مریم آباد حومه یزد واقع شده است و درون مجموعه قلعه‌مانندی معروف به قلعه اسدان (هستندگان) قرار دارد (تصویر شماره ۱). این قلعه دارای چاه آبی بوده است که امروزه خشک افتاده است. خود محوطه چاه نیز بسیار مقدس شمرده می‌شود و در واقع زیارت این پیر دو بخش دارد: یکی بخش زیارت مکان چاه و دیگر زیارت خود پیرون.

در مکان پیر نه آتشی همیشه جاوید روشن است و نه مزاری خاص وجود دارد و این ویژگی همگی پیرانگاههاست. البته به گاه زیارت در مکان اصلی پیر مجمرهای آتش برافروخته می شود که مردم بر آنها کندر و بوی خوش می نهند. پیر سبز یا چک چک در دامنه کوه چک چک قرار دارد و جاده فرعی اردکان به خورائق (خرونه) از حدود ۲۰ کیلومتری آن می گذرد. پیرهریشت بروی تپه کم ارتفاعی در فاصله حدود پنج کیلومتری از جاده اردکان به خور در کویر مرکزی قرار دارد. نزدیکترین شهر به این محل، اردکان است به فاصله حدود پانزده کیلومتر از جنوب غربی آن، یک مزرعه کوچک موسوم به حوض گور، با یک چشمه، باغ خرما و یک استخر بزرگ آب پرماهی در ۱۵ کیلومتری شمال غربی آن وجود دارد که امروزه نام آن به مزرعه مهدی آباد تغییر کرده است (نقشه شماره ۱) اسم اصلی این مزرعه و وجود آب انباری به نام آب انبار گور، در سر راه قدیمی اردکان به سمت خور و خراسان و نیز نامیده شدن کوه مجاور آن به نام کوه انبار که در واقع از نام آن آب انبار گرفته شده است، همگی شاید بیانگر اهمیت پیشین این مزرعه و آب انبار از لحاظ موقعیت بین راهی آنها باشد و نقش یک فرد یا افراد زرتشتی در احداث آنها.

جدول شماره ۱: مسافت زیارتگاههای نسبت به شهر یزد و آبادیهای نزدیک

پیرانگاه	فاصله تا یزد (کیلومتر)	فاصله تا نزدیکترین شهر (کیلومتر)
بانو پارس	۱۱۲	۱۵ کیلومتر تا عقدا
هریشت	۹۰	۱۲ کیلومتر تا اردکان
پیرسبز	۷۰	۵۰ کیلومتر تا اردکان
نارکی	۵۸	۲۸ کیلومتر تا مهریز
نارستانه	۳۱	—

نارستانه در دامنه دره‌ای در کوه نارستانه بنا نهاده شده است که حدود سی کیلومتر از شمال یزد فاصله دارد. مکانی است دورافتاده و دور از دسترس با چشمه‌های آب، نزدیکترین آبادی به این محل، روستای تقریباً متروکه ایست به نام دُرید در فاصله حدود هفت کیلومتری

شمال آن که در آخرین باری که در سال ۱۳۷۰ شمسی آن را دیدم تنها ساکنین آن دو خانوار چوپان بودند. یکی از این چوپانها جایی تقریباً صاف شده را به من نشان داد که آثاری از یک زیربنای چهارگوشه در آن بچشم می خورد و او می گفت که اینجا محل یک دخمه<sup>۲</sup> قدیمی بوده است که آن را خراب کرده اند و امیدوارند به کمک «مردم شهری» به جای آن یک مسجد بسازند.



تصویر شماره ۱: نمایی از سنی پیر واقع در نزدیکی محله مریم آباد یزد

پیر بانو که در نزدیکی شهر عقدا قرار دارد در داخل یکی از دره های فرعی جنب آبادی بنام زر جوع واقع شده است. در دره های مجاور روستاهایی که مردم آنها بیشتر به کشاورزی، چوپانی و شکار مشغولند دیده می شود منطقه کوهستانی عقدا پر است از نامهای ایرانی و احتمالاً بسیار قدیمی مانند: ارموده، اشتیجه (آشتی گاه)، دسگین، پرپر، هفتادر (هفت آتش) پیرنارکی که تنها پیرانگاهی است ک در سمت جنوب شرقی یزد دیدید آمده است در پای کوه بهوروک در غرب مهریز قرار دارد. مهریز که شهری است با سابقه باستانی در حدود سی کیلومتری جنوب شرقی یزد واقع گردیده است. نزدیکترین جاده اصلی از شیرکوه به مهریز از فاصله ۸ کیلومتری جنوب پیر می گذرد. بقای این پیر به چشمه ای بستگی دارد که در پای کوه

۲- آرامگاه قدیمی زرتشتیان که بر بلندبها و تپه های سنگی بنا شده است و مردگان را در آنجا می نهاده اند.

جاری است و آب آن در مخزنی جمع آوری می شود و مورد استفاده قرار می گیرد.

### زمین شناسی و ویژگیهای طبیعی مکان استقرار پیرانگاهها

در این قسمت ویژگیهای زمین شناسی و طبیعی مکان استقرار این پیرانگاهها بطور اختصار آورده می شود. اطلاعات این بخش برای نتیجه گیری نهایی ضروری می باشد.

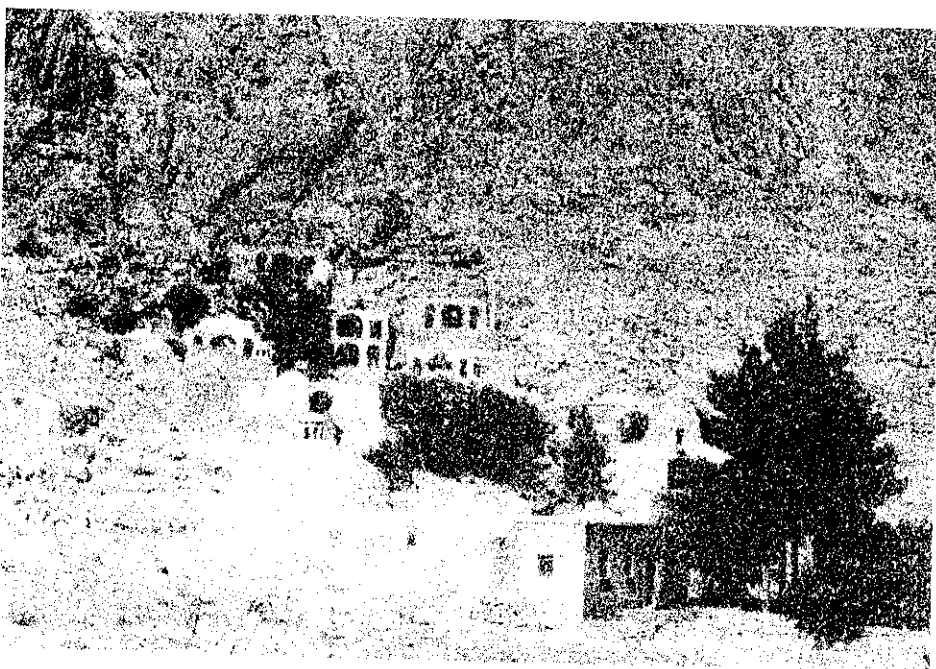
بجز سستی پیر و پیر بانو سایر پیرانگاههای نامبرده بر روی تشکیلات کارستی آهکی مربوط به دوران کرتاسه پدید آمده اند. پیر بانو بر روی سنگهای کنگلومرای پرکامبرین مستقر شده است که پر است از قله های گاهکی - آذرین رنگارنگ. سستی پیر بر روی زمینهای ماسه ای بادی مستقر شده است که در نزدیکی آن تپه های فرسایش یافته از جنس کنگلومرای مربوط به میوسن - پلیوسن دیده می شود. احتمالاً لایه های عمقی زیر زیارتگاه نیز از همین جنس می باشد. پیرانگاههایی که در دامنه کوههای آهکی شکل گرفته اند، همگی در مجاورت گسلهای محلی قرار دارند. این امر بویژه در مورد پیرسبز، پیرنارستانه، و پیرنارکی چشمگیر است. (تصویر شماره ۲)

این دو ویژگی یعنی وجود تشکیلات آهکی و وجود گسلها موجب ایجاد دو پدیده مهم در این مکانها شده است که یکی پیدایش چشمه و دیگری پدیده ریزش می باشد. وجود هر دوی این پدیده ها می تواند در توجیه علل پیدایش این مکانها تا حدی کمک کند.

سنگهای کربناته در مقابل فرسایش شیمیایی ناشی از انحلال بسیار حساس می باشند. و این فرایند توانسته است بتدریج به ایجاد غارها، حفره ها و گالریهای انحلال در این تشکیلات منجر شود. این چنین شرایطی محیط مناسبی جهت تراکم آب در داخل تشکیلات به ظاهر خشک یا کم آب شده است. از طرف دیگر، وجود گسلهای متعدد که در پای دیواره آنها تراکم عظیمی از واریزه دیده می شود موجب شده است تا ساختمان سنگها بشدت خورد شده و ترک دار گردد. در مجاورت بعضی از این مکانها پدیده ریزش و نیز لغزش زمین دیده می شود که شاید آثار بزرگترین لغزش زمین دوران چهارم در استان یزد را بتوان در نزدیکی پیرنارستانه

مشاهده نمود. (نقشه زمین‌شناسی یزد، سال ۱۳۶۸)

نتیجه نهایی ترکیب این دو ویژگی، تشکیلات کارستی و گسل خوردگی شدید، را می‌توان پیدایش سیستمی از گالریهای پنهان و درز و ترکهای فراوان به همراه تراکمی از واریزه‌ها دانست که مجموعه اینها به جذب و نفوذ آب باران و آب ناشی از ذوب برف می‌انجامد. به این آبهای نفوذی در نهایت ذخیره مناسبی برای پیدایش چشمه‌ها شده‌اند. چنین شرایطی بویژه در کوههای پیرسبز، نارستانه و نارکی به چشم می‌خورد.



تصویر شماره ۲: دیواره گسل مشرف بر پیر نارکی مهریز  
احتمالاً بزرگترین زمین لغزه در تاریخ استان یزد در نزدیکی همین گسل روی داده است.



## آثار و شواهد تاریخی و باستانی

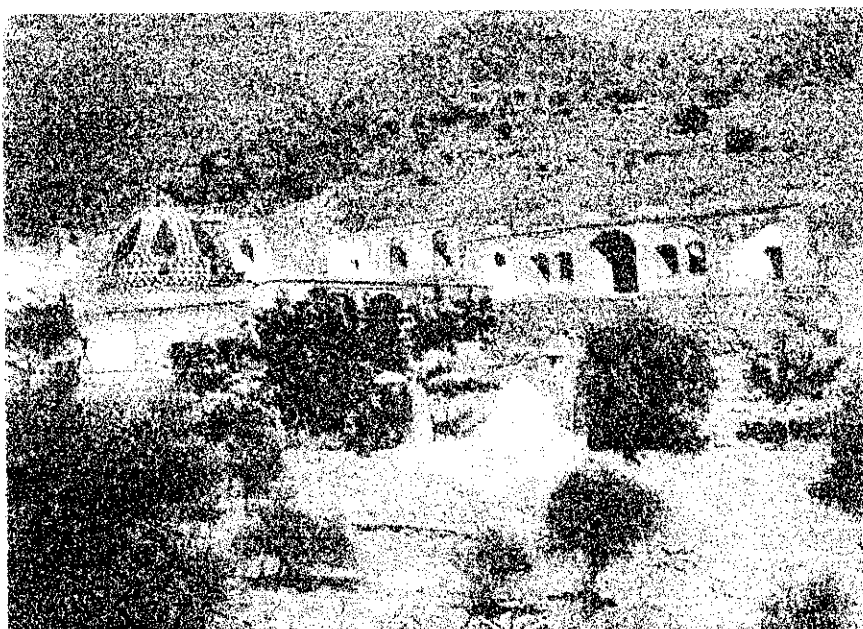
تاکنون هیچگونه بررسی باستانشناسی در مورد آن مکانها انجام پذیرفته است تا بتواند سابقه آنها را روشن سازد. آثار تاریخی خاصی نیز در این زیارتگاهها یافت نشده است. مگر در مورد ستی پیر که بعد از حفاریات دزدانه که با خالی کردن گوشه‌ای از بخش زیرین دیواره خارجی پیر همراه بوده است زیرزمینی بزرگ توسط حفاران در حدود سالهای ۱۳۴۳ هجری شمسی مورد کاوش و دستبرد قرار گرفته است. به گواهی شواهد عینی، در داخل زیرزمین خمره‌هایی بوده که درون آنها احتمالاً سکه و جواهرات مخفی شده بوده است. تعدادی از این سکه‌ها در آن زمان بدست مردم محلی و مامورین ژاندارمری می‌افتد که تا آنجا که نگارنده بخاطر می‌آورد و به نقل از ساکنین محلی یکی از این سکه‌ها به دوره یزدگرد ساسانی مربوط می‌شده است شایعاتی نیز رواج دارد که در حوالی پیر بانو تعدادی سکه و قطعات جواهر و اسلحه توسط چوپانها کشف شده است که نگارنده شخصاً هیچ موردی را نتوانسته مشاهده کند. در حوالی مهریز و در مجاورت چشمه معروف ودیدنی غربال بیز آناری از یک آبادی باستانی وجود دارد که از طرف سازمان میراث فرهنگی قدمت آن به دوران قبل از اسلام و عهد هخامنشی تا ساسانی نسبت داده شده است در کند و کاوهایی که در حدود سال ۱۳۶۹ برای احداث و گسترش باغهای نزدیک چشمه غربال بیز به عمل آمده بود، اسکلتی از یک انسان به همراه اسلحه‌ای شمشیرمانند یافت شده بود که از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نمی‌باشد. احتمالاً قدیمی‌ترین این مکانها، پیربانوپارس در نزدیکی عقدا می‌باشد که قدیمی‌ترین بنای آن بنا به سنگنوشته‌های موجود قدمتی بیش از ۲۰۰ سال نشان نمی‌دهد. ساختمان اصلی این پیر سبک معماری کاملاً اسلامی را دارد و از دور به یک امامزاده شبیه است با قبه‌ای سبز - آبی و منقش به نگاره‌های سرو (تصویر شماره ۳). در نزدیکی همین مکان در کوه عقدا یکی از غارهای باستانی منطقه با آناری از یک آتشدان و شواهدی از سکونت طولانی مدت انسان کشف شده است هنوز متأسفانه هیچگونه تلاشی جهت سن یابی کربن چهارده بقایای آتش بازمانده در لایه‌های اطراف آتشدان به عمل نیامده است که بتوان قدمت استفاده از این غار را

حداقل تا حدی روشن سازد. بسیار احتمال دارد که بناهای اولیه این پیرانگاهها به علت بکار گرفته شدن خشت و گل بکلی از میان رفته باشند، کماینکه بناهای متروکه موجود نیز در حال ویرانی و فروپاشی هستند. آنچه که می توان از شواهد موجود و ناقص کنونی در یافت اینست که این مکانهای مقدس حتی پیش از بازسازی شدن و تغییر هسته اصلی و ساختمان خپله های زیارتی برای مدت زمانی شاید بیش از چندین قرن اهمیت وجودی داشته اند (شهمردان، ۱۳۴۶، ۱۳۶۰) با افسوس باید گفت که در مواردی چند شواهد تاریخی یا به علت سهل انگاری و یا به علت حفریات دزدانه از میان رفته اند. این موضوع وظیفه پژوهشگران را در ثبت و ضبط هر چه سریعتر شواهد موجود و بازبایی شرایط پیشین این اماکن مشخص می سازد.

### نظریات مختلف درباره علل پیدایش این زیارتگاهها

شاید نخستین و معروفترین نظریه در مورد منشاء این پیرانگاهها به گریز خانواده یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی از دست متهاجمین عرب مربوط می شود (شهمردان، ۱۳۴۶) بنا بر این نظریه، دختران یزدگرد سوم و همراهانشان، برای فرار از دست تعقیب کنندگان عرب به سمت خراسان حرکت کرده بودند. خراسان دوردست ترین ناحیه ایران نسبت به مرزهای غربی محسوب می شد و با وجود ناآرامیهای هنوز هم به عنوان نقطه امیدی برای خاندان ساسانی محسوب می گردید.

بنا به روایات در نزدیکی عقدا و احتمالاً بخاطر نزدیکی دشمنان، افراد گروه از هم جدا می شوند تا تعقیب آنان دشوارتر شود و هر یک در جهتی به سمت راههای دورافتاده تر و البته همگی به سمت خراسان پراکنده می شوند. نهایت این نظریه افسانه گونه این است که دختران یزدگرد و ندیمه هایشان وقتی به کوههای مابین عقدا و اردکان پناه می بردند. در این کوهها به طرز معجزه مانند ای از نظر ناپدید می شوند یا در دل کوه مدفون می شوند و بدین ترتیب شرافشان حفظ می گردد. معروفترین این دختران و یا احتمالاً همسر یزدگرد سوم که به بانوی پارس یا پارس بانو شهرت داشته است در دره ای از کوههای عقدا ناپدید می شود که امروزه به



تصویر شماره ۳: پیربانوپارس در نزدیکی عقدا و گنبد آن نقش سرو آراسته شده

پیربانوپارس معروف است. پیرزنان قدیمی معتقد بوده‌اند که حتی تا مدتها تکه‌ای رنگین از پیراهن این بانو که مبدل به سنگ شده بوده است در این مکان دیده می‌شده است. من در بازدید محلی بجز کنگلومرای رنگین چیزی ندیدم و شاید این همان چیزی باشد که در گذشته باقیمانده پیراهن آن بانو تلقی می‌شد.

دومین نظریه کاملاً مشابه نظریه نخست می‌باشد، با این تفاوت که جای اعراب با مخالفین و شورشیان داخلی عوض می‌شود. مسلم شده است که در اواخر پادشاهی ساسانیان و بویژه از زمان خسرو پرویز، اختلافات شدیدی بین خاندان سلطنتی و دو خاندان مشهور چوبینه و سورن پدید آمده بوده است (زرین کوب، ۱۳۶۴، ۶) بر مبنای این نظریه هنگامی که جنگ در مرزهای غربی کشور به شکست نیروهای ساسانی متمایل می‌شود، در مراکز داخلی ایران، مخالفین سر بر می‌آورند و زمان را برای انتقامجویی مناسب می‌یابند. شورشهای داخلی به سرعت منجر به حمله به ناحیه پارس و فیروزگرد می‌شود و دوباره مشابه داستان نخست، خاندان شاهی و بویژه حرمسرای

شاهی برای گریز از اسارت، رهسپار خراسان می‌گردند. بنابراین نظریه، یکی از مقاصد اصلی شورشیان داخلی، دست یافتن به گنجهای سلطنتی بوده است که حفظ آنها برای دولت ساسانی بویژه در آن شرایط دشوار از لحاظ پشتوانه جنگی اهمیت داشته است بهر حال باقی این داستان و انتهای آن مشابه مورد نخست است که به ناپدید شدن گریزندگان در دل کوهها منتهی می‌شود.

سومین نظریه ریشه پیدایش این اماکن را مسئله اقتصادی می‌داند. بنابراین دیدگاه، این اماکن مقدس و یا زمینهای اطراف آنها، جای دفن شدن گنجینه‌های ساسانیان می‌باشند. در زمان فرار خاندان یزدگرد (از دست اعراب یا از چنگ شورشیان داخلی) مشکل حمل ذخایر طلا و جواهرات که به احتمال زیاد بسیار سنگین بوده است، سرعت حرکت و شانس نجات کاروان شاهی را در راههای پرت و دورافتاده‌ای که جهت گریز انتخاب کرده بودند بسیار کم می‌کرد. این مشکل به ویژه در صورت گرمای هوا و نیز کمبود دسترسی به آب در مسیرهای دور از دسترس بیشتر مسئله‌ساز می‌شد. در نتیجه بر طبق این نظر، برای اینکه بار حیوانات خود را کم کنند، ناچار بوده‌اند، که بنحوی از شر محموله گرانبها، ولی خطرناکی که به همراه داشتند خلاص شوند. این وضعیت بویژه زمانی بیشتر قابل لمس است که بیانگاریم که افراد کاروان تعدادی از اسبان یا قاطرها و شتران خود را به دلیل محموله سنگین و نیز کمبود آب از دست داده باشند و ناچاراً مجبور شوند که بین حفظ جان خویش و گنجینه‌ها یکی را برگزینند. در نتیجه، آنها با عجله آن ذخایر را در جاهایی بطور پراکنده و در طول مسیر دفن کرده‌اند و کم و بیش یک اثر یا نشانه‌ای را نیز برای آنها در نظر گرفته بوده‌اند، تقدس این مکانها بهر حال بعدها، هم برای مشخص ماندن موقعیت محل دفن آنها و هم جهت حفظ و دست نخورده ماندن آنها، ساخته شده است. می‌توان تصور کرد که افرادی از خاندان شاهی و یا بازماندگان آنها امیدوار بودند که بعدها و در زمانی مناسب بازگردند و دینه‌ها را بازیابی کنند و مورد استفاده قرار دهند. اگر که امروز اثری از آثار اغلب این دینه‌ها نمی‌یابیم، شاید به این دلیل باشد که یا پس از مدتی کوتاه توسط خود بازماندگان و یا افرادی دیگر که از این موضوع باخبر بوده‌اند برداشته شده‌اند، یا توسط بعضی ساکنین محلی و در طول زمانی طولانی‌تر بازیافت و استخراج شده‌اند. مورد دیگر هم که احتمال دارد و با شرایط طبیعی و اقلیمی این ناحیه امکان وقوع آن کم نمی‌باشد، این است

که در مواردی به دلیل سیل‌های شدید و یا ریزش‌ها و لغزش‌ها، این گنجینه با ضخامت زیادی از خاک و گل و سنگ پوشیده شده‌اند بطوریکه دیگر بازیافت آنها آسان نبوده است. به عنوان مثالی در تایید اصل این نظریه شاید بتوان از حفر دزدانه سردابه یا زیرزمین مخفی زیر بنای سستی پیر یاد کرد که با «تاراج مقادیر زیادی از سکه‌های طلا و نقره دوره سامانیان همراه بوده است.» لازم به تذکر است که بنا بر پاره‌ای از نوشته‌های تاریخی، یزدگرد سوم بخش عمده ذخایر و گنجینه‌های گرانبهای ساسانی را قبل از رسیدن اعراب به فارس به چین منتقل نموده بوده است (مشکور، م.ج. ۱۳۴۷). چهارمین و شاید قدیمی‌ترین ریشه مطرح شده در پیدایش این پیرانگه‌ها مربوط است به رابطه این اماکن و نیایش زن - ایزد آناهیتا. آناهیتا یا به نوشته اوستایی اردوی سور آناهیتا، ایزدی (فرشته‌ای) زن بوده است که موکل آب، بارش، رودها و چشمه‌ها، عشق و باروری، زایش، مادری و مهر خانوادگی بوده است. (فره وشی، ۱۳۶۵) تقدیس آناهیتا به ویژه در دوران مهرپرستی یا عصر میترائیسم، به ویژه در عهد تسلط سلوکیان و سپس بدنبال آن در عهد اشکانیان، سنتی رایج بوده است (و حتی در کنار عناصر حاکم مذهب زرتشتی رواج داشته است) و مکانهای مقدسی جهت نیایش آن برپای بوده است (گفته‌های شفاهی موبد رستم شهرزادی، ۶۹-۱۳۶۸) نیایشگاههای آناهیتا در کنار چشمه‌های پرآب، رودها و آبشارها پدید می‌آمده است. وجود عوارض طبیعی با نامهای مربوط به زنان از قبیل کوه دختر و کوه پیرزن در نزدیکی برخی از این زیارتگاهها بسیار جالب است و می‌تواند گواهی بر ارتباط احتمالی بین تاثیر نقش ایزد آناهیتا در اهمیت یافتن این اماکن باشد. از سوی دیگر، اغلب این اماکن به یک بانو یا دختر مربوط می‌شوند، مانند پارس بانو، پیرسبز، پیرنارکی و سستی پیر که مشخصاً منشاء روایتی آنها به زنانی مقدس باز می‌گردد.

لازم به تذکر است که از این پیرانگه‌ها پیر سبز و نارکی هنوز هم در زمان بارشها و یا در دوره ذوب برفها دارای آبشارهایی موقتی می‌شوند. همه این پیرانگه‌ها بجز پیر هریش و سستی پیر دارای چشمه هستند و در نزدیکی هریش و مسیل رودخانه‌ای و در سستی پیر چاه آبی خشک شده وجود دارد. این احتمال موجود است که زمانی به علت بهتر بودن وضع آب و هوایی آبشارها و چشمه‌ها فعالتر و پرآبتر بوده‌اند و رودخانه‌ها در فصل یا فصولی از سال دارای آب

بوده‌اند. چاه مقدس گونه ستی پیر نیز تا حدود سی سال پیش هنوز آب داشته است. بهر حال ارزش و تقدس آب در اینگونه نواحی کم آب قابل درک می‌باشد.

آخرین نظریه در مورد منشاء پیدایش و بقای این پیرانگاهها ایده‌ای است که بر نقش و اهمیت پناهگاهی و مهاجرتی این اماکن تاکید دارد (پیشدادی، ۱۳۶۸) بنا براین نظریه، این مکانها در واقع پناهگاهها و ایستگاههای مهاجرتی بوده‌اند برای کوچ به سوی سیستان یا به عبارتی به سمت هند، از حدود پانصد سال پس از شکست ساسانیان و با گسترش روزافزون دشواریهای اجتماعی و اقتصادی برای زرتشتیان بویژه از عصر صفویه به بعد مهاجرت این قوم به سمت سرزمینهای شرق فلات ایران شدت گرفت و یکی از این مقصدها سرزمین هند بود که در آنجا بطور نسبی فشار کمتری بر تازه واردین وجود داشته است. خانواده‌های زرتشتی از قسمتهای مختلف ایران و از دو طریق بسوی هند روانه شده بودند: یکی راه رفتن به سواحل جنوبی ایران و سپس ادامه سفر با کشتی بود و راه دیگر عبور از کویرهای مرکزی و از طریق یزد و کرمان و جنوب دشت لوت بود. در این رابطه موقعیت مرکزی یزد بر سر راههای مختلف احتمالاً ارزش و نقش مهمی داشته است. وجود لهجه‌های متفاوت مابین زرتشتیان کنونی یزد و نیز سابقه تاریخی بر جای مانده از مردمی که به این لهجه‌های مختلف صحبت می‌کنند، نشان می‌دهد که ساکنین روستاها و آبادیهای محلی از نواحی مختلف ایران به یزد و اطراف آن مهاجرت کرده‌اند. بخشی از این امواج مهاجرتی به احتمال زیاد نه تنها بدلیل موقع مرکزی ناحیه یزد و اردکان (و نیز کرمان) در اینجا مستقر گشته‌اند بلکه پرت افتادگی و دوری نسبی این نواحی نسبت به سرزمینهای پر جمعیت‌تر شمالی و غربی فلات ایران نیز در این امر تاثیر داشته است. دو موضوع مهم و حیاتی برای این مهاجرین در آن شرایطی بحرانی یکی عدم جلب توجه شهرتشیان در مسیر راه و دیگری دسترسی به آب قابل آشامیدن بوده است. در نتیجه این مسافرین بطور اجبار، باید مسیرهای دور از دسترس را با در نظر گرفتن امکان وجود آب بر می‌گزیدند. هر دوی این ویژگیها درکوههای عقدا، اردکان و یزد وجود داشته است. علاوه بر این وجود بز و گوسفند کوهی فراوان و پرندگان وحشی مانند کبک و هوبره، می‌توانست تأمین‌کننده غذای آنها باشد، شرایطی که امروزه متأسفانه بدلیل شکار و بیرویه بسیار کمتر وجود دارد.

براساس این عقیده، این اماکن نه فقط به هنگام مهاجرتها، بلکه در زمان سختگیریها و نابسامانیهای دوره‌ای که به نحوی خطرات بیشتر و غیر قابل پیش بینی متوجه جوامع زرتشتی آن زمانها در یزد، نایین و عقدا، می‌گردید، بصورت پناهگاههایی موقتی حداقل برای قسمتی از این مردم در می‌آمده‌اند. چنین شرایطی به عنوان مثال، بنابر تاریخ شفاهی زرتشتیان در اواخر عهد صفوی در زمان حمله افغانه و کم و بیش در برهه‌هایی از عهد افشاری پیش آمده است. در مجموع بسیار محتمل است که این نوع اماکن بطور موقتی به عنوان پناهگاه مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. حتی هنگامیکه دیگر مهاجرتها انبوه نیز در کار نبود، باز هم در این مکانها جمع می‌شدند و به شادمانی نیایش و شکرگزاری می‌پرداختند.

#### نتیجه

زیارتگاهها یا پیرانگاههای زرتشتیان در یزد، بنابر اعتقاد سنتی این مردم، پناهگاه دختران و وابستگان یزدگرد سوم ساسانی در زمان حمله اعراب و در نهایت مکان ناپدید شدن یا جا باختن آنان بوده‌اند. احتمال دارد که این مکانها پناهگاه وابستگان این پادشاه در سالهای پر هرج و مرج پایانی این خاندان باشد که از دست شورشیان و مخالفین داخلی در حال فرار بوده‌اند. نظریه دیگر از اهمیت یافتن این مکانها در رابطه با حفظ دینه‌های ساسانی حکایت دارد که حداقل در یک مورد (ستی پیر) شواهد زنده‌ای از آن موجود می‌باشد. از سوی دیگر برخی، پیدایش اولیه این مکانها را با نیایشگاههای یزد آناهیتا (فرشته موکل بر آب و گیاه) بی ارتباط نمی‌یابند و در این مورد وجود شواهد طبیعی مثل کوههای پیرزن و دختر را نیز به عنوان گواهی بر این مدعا می‌دانند. موقعیت مرکزی این ناحیه نسبت به مرزهای تاریخی غربی (بین النهرین)، شمالی (ماوراءالنهر و اران) و شرقی (سیستان) و نیز جداافتادگی نسبی این قسمت از سایر نواحی بدلیل محاصره شدن در میان بیابانها و کویرها می‌توانسته‌اند عواملی باشند در تبدیل موضعی و موقتی بعضی نقاط با امکانات طبیعی مناسب به ایستگاههای مهاجرتی و یا پناهگاههای اضطراری. نقشهایی که امروزه این مکانها به عهده دارند عبارتند از: مکان گردهمایی مردم (زرتشتیان) و بطور سالیانه و منظم، مکان نیایش و دعا، مکان یادآوری گذشتگان، مکانی جهت

نزدیکی و یکی شدن با طبیعت و بالاخره مکانی جهت انجام مراسم شادمانی دسته جمعی. گویی این جمعیتی که در دامن یک کوه یا در پهنه یک دشت و دور هم جمع می شوند. و توامان به نیایش و پایکوبی مشغول می گردند، می خواهند بقا و استواری خویش را در کنار ارزشمندترین داده های طبیعت در نواحی بیابانی و کم آب، یعنی سایه کوه و چشمه آب جشن بگیرند. در واقع گردآمدن همگانی مردمانی که ریشه باستانی دارند در کنار این چشمه ها که منبع زندگی در بیابان بی آب محسوب می شوند و بیاد آوردن نیاکان در ضمن قصه ها و متلها و نیز شادی و شادکامی هر چند کوتاه مدت در طی چند روز و شب زیارت بخودی خود موضوعی است قابل ستایش و احترام. موضوعی که ما این روزها به آن خیلی احتیاج داریم بنابراین، این مکانها شایسته اند که مقدس بشمار آیند، چه دخترانی از این یا آن پادشاه در آنها به دل کوه رفته باشند یا اینکه زمانی شاهد بیم و امیدهای صدها دلشکسته مهاجر از تاراج زمانه باشند. این مکانها مقدسند زیرا به هرگونه که پدید آمده باشند، انتقال دهنده تاریخچه و سرگذشتی مملو از اعتقادات رنجها، مقاومتها و عشق و امیدند.

### منابع و مأخذ

- ۱- صحبتهایی با موبدمویدان روانشاد رستم شپورزادی، روانشاد موبد رشید شهردان، روانشاد آقای فریبرز نسیمی و آقای بهمن رییس پارسی.
- ۲- صحبتهایی با خادمین این زیارتگاهها در سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷.
- ۳- نیبرگ، هنریک ساموئل، دینهای ایران و باستان، ترجمه سیف الدین نجم آبادی، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران، ۱۳۵۹.
- ۴- شهردان رشید، پرستشگاههای زرتشتیان، انتشارات سازمان جوانان زرتشتی بمبئی، ۱۳۴۶.
- ۵- شهردان، رشید، تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان، چاپ راستی، تهران، ۱۳۶۰.
- ۶- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران، (جلد اول: قبل از اسلام) انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴.
- ۷- مشکور، محمد جواد، تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان، چاپ دانشسرای عالی تهران، ۱۳۴۷.
- ۸- فره رشتی، بهرام، ایرانویچ، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۵.
- ۹- پیشدادی، جمشید، برگهایی از ستهای شایسته نیاکان، انتشارات ساری، ۱۳۶۸.
- ۱۰- بازدیدهای محلی نگارنده در مسافرتها مختلف.